

# توفان

۸۷

ارگان ماهانه کیهان‌شناسی توفان

## انقلاب دهقانی

جنش دهقانان علیه مالکان بزرگ ارضی سابقه طولانی دارد. این جنبش‌ها از سقوط حکومت رضاخان گسترش یافته و مبارزه دهقانان شدت گرفت و با نهضت و موفقیات انقلابی ایران و کردستان به اوج خود رسید. دهقانان بر طبق موج از میانگان و اربابان شدند که بهره‌مندی را ۲۵ درصد تخفیف دهند. اما پیروزی دهقانان دیری نماند. با سرکوب جنبش آذربایجان و کردستان ارتجاع مواقع خود را مستحکم ساخت و همه دستاوردهای دهقانان را از آنها باز پس گرفت. یلدرم‌ها همراه با بیگانه‌ها خلق‌های ایران علیه امپریالیسم باخاطر ملی شدن صنعت نفت دهقانان در سراسر کشور علیه مالکان بیخاستند و آنها را با یکدیگر به تقابل بهره‌مندی مالکانه واداشتند. کردتای ۲۸ مرداد که ارتجاع سیاه‌پو را در پی گرفت مستقر گردید. مبارزات دهقانان را برابردادند. پس از کودتای سوم مرداد دهقانان که در اثر مبارزات تودم‌ها دهساله خویش آگاه شده بودند از ادامه مبارزه باز نایستادند. امپریالیسم آمریکا که تجارب جنگ جهانی آزاد بخش چین و ویت نام و الجزایر و کوبا را بر برابر خود دانست و می‌دانست که تنها با زور سرزیده نتوان جنبش دهقانی را خاتمه ساخت ناگزیر با دست‌های خود طرح "اصلاحات ارضی" را در انداخت.

"اصلاحات ارضی" اقدامی نو استعماری بود که بخاطر حفظ و تحکیم سلطه امپریالیسم بر ایران صورت گرفت و بخاطر آنکه دهقانان را بی‌بیمه نیروی عمده انقلابی بخنک کند و با یکبارگی آنان را برهم زند. از اتحاد آنان با طبقه کارگر و در نتیجه از انقلاب جلوگیری نماید و تاوان تجارت بیرون‌های زمین‌ها را و استعمار خلق‌های زحمتکش ما توسط امپریالیسم‌ها و نوکران ایرانی آنها هموار سازد.

چنین بود هدف اساسی، هدف نو استعماری "اصلاحات ارضی" شاه که سازمان ما از همان آغاز با وضوح تمام بیان کرد اما امپریالیسم‌ها خاموش گردیدند جنبش انقلابی خلق‌ها را استقرار استبداد خود را بر کشورها به منظور غارت بیرون‌های آنها در پشت هد فهای زینا و کلمات و عیاذی بی‌طرفانه می‌پوشانند و همیشه "اندیشمندی" هم پیدا می‌شوند که اقدامات نو استعماری امپریالیسم‌ها را از پیش دهند تا شاید در کار تحقیر و فریب تودم‌ها توفیق یابند. اما هیبت این "اصلاحات ارضی" شاه با هیبت "اندیشمندان" گراشیده شد. کارش کینه سیاسی و برای "اندیشمندان" زمین‌پرور برابر بود و زور هد فهای "اصلاحات ارضی" شاه را چنین بر می‌شمارد:

- ۱- هدف اقتصادی بی‌معنای بالا بردن تولید کشاورزی.
- ۲- هدف اجتماعی بی‌معنای برخورد ارمان‌ساختن اکثریت نفوس مملکت از سطح زندگی بالاتر.
- ۳- هدف سیاسی بی‌معنای نابودی مالکیت بزرگ ارضی.

برای آنکه دهقانان صاحب زمین در حیات سیاسی سلطنت مشارکت واقعی موثر و مثبت بنمایند.

چه آرمان‌های واقعی و چه آرمان‌های واقعی نیستند.

## تجارت نو استعماری

الگو سازانی هستند که در همه چیز پادشاهان الگو می‌گیرند و می‌خواهند پدیده‌های بی‌شماری را در چارچوب الگوی عمومی به بند کشند. اینها به واقعیات و تعلیقات آن کاری ندارند. اینها را با این واقعیت‌های تاریخی که از آنجا نشأت می‌گیرد همان می‌تواند که از امپریالیسم می‌تراود و جلوه‌های جامعه‌شناسی شوری چه بر سطح ملی وجود دارد سطح بین‌المللی همان تجارب‌های امپریالیسم و بلویه امپریالیسم آمریکا است. اینها را با این حقیقت‌های تاریخی که جلوه‌های یکسان نشان می‌دهند با این واقعیت‌های تاریخی که از امپریالیسم می‌تراود و جلوه‌های جامعه‌شناسی شوری چه بر سطح ملی وجود دارد سطح بین‌المللی همان تجارب‌های امپریالیسم و بلویه امپریالیسم آمریکا است. اینها را با این حقیقت‌های تاریخی که جلوه‌های یکسان نشان می‌دهند با این واقعیت‌های تاریخی که از امپریالیسم می‌تراود و جلوه‌های جامعه‌شناسی شوری چه بر سطح ملی وجود دارد سطح بین‌المللی همان تجارب‌های امپریالیسم و بلویه امپریالیسم آمریکا است.

انقلاب دهقانی به کوشش دهقانان علیه مالکان بزرگ ارضی سابقه طولانی دارد. این جنبش‌ها از سقوط حکومت رضاخان گسترش یافته و مبارزه دهقانان شدت گرفت و با نهضت و موفقیات انقلابی ایران و کردستان به اوج خود رسید. دهقانان بر طبق موج از میانگان و اربابان شدند که بهره‌مندی را ۲۵ درصد تخفیف دهند. اما پیروزی دهقانان دیری نماند. با سرکوب جنبش آذربایجان و کردستان ارتجاع مواقع خود را مستحکم ساخت و همه دستاوردهای دهقانان را از آنها باز پس گرفت. یلدرم‌ها همراه با بیگانه‌ها خلق‌های ایران علیه امپریالیسم باخاطر ملی شدن صنعت نفت دهقانان در سراسر کشور علیه مالکان بیخاستند و آنها را با یکدیگر به تقابل بهره‌مندی مالکانه واداشتند. کردتای ۲۸ مرداد که ارتجاع سیاه‌پو را در پی گرفت مستقر گردید. مبارزات دهقانان را برابردادند. پس از کودتای سوم مرداد دهقانان که در اثر مبارزات تودم‌ها دهساله خویش آگاه شده بودند از ادامه مبارزه باز نایستادند. امپریالیسم آمریکا که تجارب جنگ جهانی آزاد بخش چین و ویت نام و الجزایر و کوبا را بر برابر خود دانست و می‌دانست که تنها با زور سرزیده نتوان جنبش دهقانی را خاتمه ساخت ناگزیر با دست‌های خود طرح "اصلاحات ارضی" را در انداخت.

## در سهائی از حوادث ششلی

کلیته مرکزی حزب کمونیست انقلابی خلقی خلقی عنوان "وحدت خلق برای مبارزه با امپریالیسم و سوزن‌گدن ساختن دیکتاتوری" منتشر ساخته است. این سند در ماه آوریل ۱۹۷۴ در ونیزیتهای صیاح رسیده و به طور وسیع در میان سوزن‌گدن‌گرنده است. ما در اینجا فصل سوم از قسمت اول این سند را می‌خوانیم:

آنچه که خلق ما باید بیابان...

- ۱- در سهائی که خلق ما باید از تجربه گذشته بیاموزد...
- ۲- یکبار دیگر ثابت شد که در کشورهای نظیر کشور ما باید با امپریالیسم حکومت کرد و با علیه امپریالیسم با اتود...
- ۳- های خلقی با تجربه آنها را در دگری نیست...

## به دوستان و هواداران نشریات توفان

انتشار ماهنامه و نشریات توفان فقط برهمن کیهانی مادی ارزنده و به ریخ اعصاب و هوای اران سازمان و علاقه‌مندان به نشریات آن است. علی‌رغم این کیهانی کرانه‌ها مشکلات مالی هیچگاه دست از کیهان سازمان نماند. بر خلاف آنچه که گمان می‌شود سازمان از تورم جهانی کوهی مشکلات مالی سازمان مارا در بر نماند و بی‌شکلی را با یکدیگر در پی می‌ماند. همیشه در دوستان و هواداران خود تکیه میکند و از آنها می‌طلبد که در پی مشکلات مالی که هر روز بر چهره آن می‌گذرد به سازمان توفان یاری رسانند.

## یاد فرزندان واقعی خلق را گرامی بداریم

بخش بورژوازی و رفرمست که "وحدت خلق" نامند و آنست از اینهم ضعیف‌تر است زیرا که حتی پایه اقتصادی هم ندارند و بهیچ وجه نمیتوانند در تکامل و توسعه امیدوارات ستکا اقتصادی و بورژوازی و ولتی و دست‌ها بکنند. یکی از اهداف اصلی رهبری "وحدت خلق" رفتی که به توسعه بخشی‌های ولتی اقتصاد می‌پرداخت. همین بود و بدین وسیله می‌کوشیدند تا در میان بخش بورژوازی و بورژوازی و رفرمست یکدیگر را بکشند.

تجارت با... بقیه از صفت... تکامل بخشد...  
 در این سیاست بورژوازی، رفرمیستی رهبانی و وحدت خلق  
 از همان آغاز محکوم به شکست بود. این سیاست خزانچه که  
 انجام ندادند و نتوانست انجام دهد. موضوع آنکه که برخی  
 میگویند، بر سر این نیست که این سیاست مرتکب اشتباهاتی  
 شده است. این سیاست محفلت ضعف خود و به این علت که  
 نماینده منافع تنگ نظرانه طبقاتی بود بهیچوجه نتوانست  
 پایا باشد و یگانه داشته باشد. این سیاست با این سیاست و  
 مرتجعین از رنسانشن ریتامه و از بر نامه رفرمیستی خود روی  
 میگردانید و یا خود را در معرض سرنگونی قرار میداد و به اشتباه  
 سیاه رنگ رژیم فاشیست خلق آشامیدن میگردید. فقط در  
 اکثریتها و چون است. گولاربا گولارس و تاللا (۱)  
 تعداد ۲۰ رهبانی متحد خلق برای تحویل مواضع خشونت  
 پشتیبانی می چون و چنانی توده های مردم را طلب میکرد. او  
 میگویند مبارز متوجه همان رنچارچوبی شده و نمکد با میخورد که توده ها  
 از رنکردن او بیرون نروند. در حد و قانونیت از حد و آن  
 تا سیاستی که بر روزا را طرز آیه آنها احترام میگذارد. اگر اشر  
 نگارند. در عین حال در توده های مردم این پندارها را  
 در آرزوی مردم که گویا شکل است از طریق قانونیت بورژوازی بسا  
 اخیرالیم و مرتجعین پیگار کرد. که نیزه های منحل از جانی  
 خصلت "حرفائی" دارند و "بیطرفی سیاسی" را ملاحظ میکنند.  
 از بدینجهان رهبانی "وحدت خلق" خلق و از لحاظ  
 ایزه و لولویک، سیاسی و نظامی خلق سلاح گرد. بخلاوه و  
 "آوانتوسیم" خود طبقات متوسط را بسوی فاشیسم راند. پیشانی  
 طبقات متوسط را از رولتاریا سلب کرد و رولتاریا را شرف نشا  
 رولتاریا را و بخت از خلق که از رولتاریا پشتیبانی میکردند رولتاریا  
 تعرض ارتجاع بدون دفاع و منفرد ماند و دچار خلق گردید. این  
 بورژوازی رفرمیست با سیاست خود چنین توده های را به ارضان  
 سرخوردگی و شکست کشانید. و بدینسان با سیاست فاشیسم جدید کرد  
 ۱۰۰ تجربه یک بار دیگر و این بار با وضوح بیشتر از پیش  
 این حکم لنینیستی را نشان داد که بدون مبارزه با رولتاریا و  
 و نابود ساختن او هیچ مبارزه جدی وی گیری را علیه امپریا  
 لینیسم و مرتجعین نمیتوان به پیش برد. همچنین امروزیان  
 از مبارزه واقعی و پیگیر با خطر استقلال ملی سخن گفت اکثر  
 به قدرت امپریالیستی دیگری اعتماد نمود یا از اینهم بدتر اگر  
 مبارزه و نهادهای خود وابستگی به قدرت امپریالیستی دیگری  
 جنبه ای بدیهه باشد. خلق باید در روزه اول بورژوازی خود  
 تکمیل کند و آنگاه از تضادهای میان امپریالیستهای دنیا بیدار  
 (تکیه از اینست - نویسان)  
 به خلقی مایاگون تجربه و آلترناتیو را بر دست مبارزه  
 تجربه رژیم "دموکراتیک" بورژوازی که بران رفرمیستی  
 انجام گرفته و خلق دانسته است از آزاد بهای دموکراتیک همین  
 بورژوازی ولطیور خود برخوردار گردید.  
 تجربه رژیم کمونی رژیم آشکارا فاشیست که در این  
 به ابتدای ترین نیازمند بهای انسان و نفسی که درده میشود  
 نه هیچگونه امکانی برای تحفظ آزادی وجود ندارد مگر آنکه  
 نیروی بده اند از کافی توی نادر بران قرار از آن آزار آید و  
 طبیعتاً هرآنکه که از قبایع فاشیسم رنج برده است نیا  
 رژیم فاشیست و رژیم که در تکیه توری اکثر سرنگون ساخت رژیم  
 پیشین را ترجیح میدهند. ولی سالیان نشان دهیم که خلق  
 در این اکثریتها و خودی در از راه خیزش است و این راه مبارزات  
 است از تارگت به گذشته با همسان و سرشار از سرخوردگی و  
 نه قبول وضع موجود سران بورژوازی است  
 خلقی باید خیزش خود را خود ترسیم کند و رژیم  
 هم خواهد کرد. تجربه نشان داد است که فقط خلق نیروی  
 محرکه ای است که تاریخ را به پیش میراند و برای این خلق باید  
 در زلفه اول بورژوازی خویش تکیه کند و در تمام عوام رهی  
 بورژوازی رفرمیست بخشد.

۱- گولار رژیم کمونیست رفرمیست سابق برول که در کتا  
 فاشیستی ۱۹۹۴ او را سرنگون ساخت. ...  
 گولارس و تاللا در همین جمهوری سابق شیلی که در ۱۹۶۰  
 بعنوان جنبه توده ای انتخاب شده و بعد سیاسی ارتجاعتی  
 در عین گرفت و خویش توده های شیلی را سرنگون کرد.

دیگر اعطاء وام و اعتبار را صادر کلاهای خود همراهمیکنند  
 همراه کردن وام و اعتبارها ضد رولتاریا یک بیداری امپریالیستی است. لنین میگوید: "امپریالیستها هنگام وام میکنند که قسمت  
 معینی از آن مصرف خرید محصولات میسرند که در کشور اعتبار دهند تولید میشود. بدین ترتیب صد سرمایه بصورت وسیله ای برای  
 صدور کالا در نیاید" (لنین، امپریالیسم، مرحله عالی سرمایه داری، بخش صد و سوم سرمایه). اما شوروی از اینهم فراتر میروید و کالا  
 های خود را به کشورهای وام گیرنده گران، حتی گرانتر از قیمت های بین المللی می فروشد.  
 روزنامه "هنه ای" تایمز اقتصادی "نیویسک" تا آنکه روح و امپای شوروی ظاهر ۱۹۶۰ در صد است بعد از این واقعی بسیار  
 بالای آنها در بهای فوق العاده کالا های تحویل. انتخاب شوروی نهفته است. اتحاد شوروی قیافه حق بحاش میگرد که نرخ بهره او ایان  
 است چیزی که از خصلت امپریالیستی او تکیا هفته و لقی در واقع فروش محصولات خود به بعضیهای بسیار زیاد این بود نرخ بهره را اجرا میکند.  
 اتحاد شوروی به گران فریختن محصولات خود اکتفا نمیکند. مانند امپریالیسم آمریکا آمریکا امپریالیسم بزرگی توان اولیه و مواد  
 خام کشورهای کم رند را به قیمت ارزان حتی ارزان تر از نرخ بین المللی میخرد.  
 بدینسان تا باید دید که ای تمام معنی امپریالیستی سرور کار در این معنی اینکه امپریالیسم مواد خام و مواد اولیه کشورهای کم رند را  
 بقیمت ارزان میبرد و محصولات خود را به قیمت گران تحویل میکند و با غارت بی بند و بار این کشورهای را هموار کرد و راحل عقب ماندگی و فقر نگار امید ارد.  
 برای آنکه از مطالب فوق تصویری با ارقام ترسیم کرده باشیم، اینک جبهه رقم  
 شوروی هر تن میوه خشک افغانستان را ۱۳/۴۰ افغانی می پردازد در حالی که همین میوه خشک از فرانرتهی ۲۸/۸۹ -  
 افغانی به آمریکا ۳۰/۷۲ افغانی به هند فروخته میشود یعنی شوروی میوه خشک افغانستان را به قیمتی کمتر از نصف میخرد.  
 شوروی شش افغانستان را از فرانرتهی ۱۹/۷۱ افغانی میخرد در صورتیکه همین شش به آمریکا از فرانرتهی ۱۰۳/۳۵ افغانی  
 و به هند از قرار هر تن ۲۹۳/۲۹ افغانی صادر میشود. (از منابع افغانی)  
 گاز افغانستان که بر قیمت در اختیار شوروی است حتما قیمت آن از گاز ایران نیز کمتر است. با آخیره بریزد نت محمد دار و  
 بیبوه در افغانستان به کودتا دست زده است.  
 سرکش اتحاد شوروی  
 برای هر تن زغال سنگ خود از صمر ۱۵/۱۵ رول میگرد. از آلمان شرقی ۲/۲۵ رول و از آلمان غربی ۶/۱۴ رول  
 برای هر تن چدن خود از صمر ۲۸/۵۶ رول میگرد از آلمان شرقی ۳۹/۷۷ رول و از آلمان غربی ۴۱/۵۸  
 برای بنه سوز از صمر ۱۴۰/۱۲ رول. از آلمان شرقی ۳۶/۳۷ رول و از آلمان غربی ۱۰۸/۸۵  
 مخارج حمل و نقل در این ارقام منظور نشده است.  
 این ارقام را میتوان ادامه داد ولی متاسفانه مقاله کنجایش زکرا قام را بخوانید.  
 معمولاً بهای کالا های صادراتی شوروی به کشورهای کم رند تا ۳۰-۴۰ درصد یعنی بین المللی گرانتر است  
 واردات شوروی از کشورهای استعمار زده بطور عمده مواد خام و مواد اولیه است که از طبیعتی، نفت، بنه، میوه خشک، نان  
 های روغنی، کف، سنگهای ساختمانی و غیره. خود "رفیق" اسکاکوف، رئیس کمیسیون دولتی روابط اقتصادی با خارج و روزنا  
 یزاد ا. اینطور توضیح میدهد: "برای جریان سخاوت نیازهای شوروی کمک اقتصادی و فنی، کشورهای در حال رشد محصولات  
 اساسی مانند سنگهای معدنی تخلیظ شده، فلزات غیر آهنی، نفت، گاز طبیعی، پتاسه، کانیوم، کانیوم طبیعی، روغن  
 های نباتی، پارچه های نخی، برنج، ... تحویل داده اند."  
 برای بدست آوردن گاز طبیعی و نفت شوروی امتیاز اکتشاف و بهره برداری از منابع طبیعی این قواد را کسب میکند و آنگاه  
 سود حاصل از سرمایه گذاری و قرض خود را با نفت و گاز تحویل میگرد.  
 اتحاد شوروی مانند امپریالیسم آمریکا با هر امپریالیسم دیگری به این قواعد تمسوزد. او در انتظار است که کدام کشور در کشور  
 در میماند. کدام کشور در کشور مشکلات اقتصادی، سیاسی و نظامی است. آنگاه مانند "فرشته نجات" بر سران خود فرود میاید و کلاه  
 خود را بر سر آنها میکند. بنابراین این "کم" مواد اولیه آن کشور را به بهای بازم کثری میخرد یا محصولات خود را به بهای بازم  
 بیشتری میفروشد. نمونه آن کشورهای عربی است.  
 اتحاد شوروی با سوء استفاده از مشکلات عراق در آزا "کم" های خود نفت عراق را به قیمت ناارزی خریداری کرد و به قیمت  
 سه برابر به آلمان غربی فروخت. آنهم درست در موقعی که اعراب به تحریم نفت دست زده بودند. روزنامه "دیلی اکسپرس" ۲۸ دس  
 ۱۹۷۳ نوشت: "عراق رضایت داد که نفت را با قیمت که ارزش ۶ میلیون لیره استرلینگ بفرستد. برای آنکه بخشی از بهای اسلحه  
 و تجهیزات تحویل را بپردازد. بعد مطلع شد که شوروی قبل از تحویل گرفتن این نفت را در آلمان غربی به قیمت ۱۸ میلیون لیره  
 استرلینگ فروخته و ۳۰ درصد سود برده است."  
 نمونه دیگر  
 در سال ۷۵-۷۶ در هند تولید واردات کافت روزنامه کافی نیازمند بهای مطبوعات است. شوروی تقید کرد پنجاه  
 هزار تن کافت روزنامه به هند تحویل دهد. با استفاده از کمبود کافت روزنامه و احتیاجات مطبوعات هند شوروی ناگهان قیمت کافت  
 روزنامه را خود سر برآورد (۲۶۱ دلار هر تن) و با اینکه کانادا حاضر بود کافت روزنه نیاز هند را از فرانرتهی ۱۷۵ دلار تحویل  
 دهد و بعد از دولت هند بعلت قراردادی که با شوروی بسته بود نمیتوانست احتیاجات خود را جز از شوروی تامین کند. و بالاخر  
 پس از چانه زنیها شوروی حاضر شد که این نفت را با قیمتی غیر از نرخ بین المللی (۲۲۸ دلار) به هند تحویل  
 دهد. و این معامله سود هنگفتی ببرد.  
 از آنجکه در در وقت آمد رویش است که شوروی اولاً به کشورهای کم رند سرمایه صادر میکند و صد و سرمایه را وسیله صدور کالا قرار  
 میدهد. ثانیاً از کشورهای کم رند مواد خام و مواد اولیه وارد میکند و در عوض بطور عمده محصولات صنعتی خود را به آنها می فروشد  
 ثالثاً مواد اولیه و مواد خام کشورهای کم رند را به قیمت ارزان و با استفاده از وامهای اقتصادی به قیمت ارزانتر از قیمت بین المللی  
 میخرد و سپس محصولات خود را به قیمت گرانتر و با مانورهای اقتصادی به قیمت گرانتر از قیمت بین المللی میفرد. و با این ترتیب  
 مانند کشورهای امپریالیستی هم سود های کلانی بدست میآورد و هم کشورهای کم رند را غارت و استثمار میکند.  
 اتحاد شوروی در بسیاری موارد محصولات را از کشورهای کم رند به دست میآورد. در بازارهای بین المللی کلاهای  
 خود و گاهی با برجسب کشور شوروی به قیمت گران میفروشد. نفت عراق و گاز طبیعی و خواهر ایران، کف هند و غیره از آنجمله است  
 این نکه راهم اضافه کنیم که اتحاد شوروی تحریم نفت اقربان مورد استفاده قرار آید برای آنکه نفت خود را به قیمت گران به  
 کشورهایی که اعراب صد و نفت را به آنها تحریم کرده بودند و از آنجمله آمریکا تحویل دهد. در واقع تحریم را خشکی کند. اخیر -  
 کزایی استویند برین اول آوریل ۷۶ از نیویورک چنین خبر داد: "در موقعی که اتحاد شوروی علناً از تحریم نفت اعراب بسوی آمریکا  
 پشتیبانی میکرد روسها مقدار زیادی از محصولات نفتی خود را در این کشور بیاید میگردند. فقط از ۱۱ واتیو تا ۱۸ مارس شوروی  
 ۱۶۵/۵ میلیون کالون نفت به آمریکا داد. همین خیزگرانی از قول رئیس یک شرکت نفتی آمریکائی اینطور نوشت: "ما روابط آنجسان  
 حسنه ای با روسها داریم که هرگز کوچکترین نشانه ای از اینکه روسها تحویل نفت را در دوران تحریم قطع کنند ندیدیم."  
 چنین است سیاست دوریانه اتحاد شوروی که در ظاهر و در حرف از تحریم نفت اعراب حائیداری میکند و خود را مدافع و  
 حامی اعراب می نمایاند. و در پنهان با تحویل نفت به آمریکا مبارزه نفتی اعراب را می. اثر میسازد.

مبارزه با اعراب و تحریم نفت

انقلاب... بقیه از صفحه ۱ هدف اقتصادی "اندیش" مند آن "فقط محضول مغز غلیل آنها است که از بازار پول و مقام به شاه فروخته اند" امروز وضع کشاورزی ایران آنچنان خراب و ویران است که فقط "اندیشمندان" در روز می توانند "بالا بردن تولید کشاورزی را هدف اقتصادی" اصلاحات ارضی بشمار آورند.

تولید کشاورزی کشور ما در نهال "اصلاحات ارضی" می تنها بالاترفته بلکه قوس نزولی پیوسته است و دیگر هیچوجه کما احتیاجات مردم را نمیدهد. کشور ما برای نیازهای بیروزانه خوب از گندم و گوشت و شیر و پنیر گرفته تا میوه و سبزی محتاج واردات از خارج است و این احتیاج هر سال فزونی میکند. اگر دولت سال گذشته یک میلیون تن گندم از خارج خریده از بی کرد - اسال خرید کند به دو میلیون و نیم افزایش یافته است و وضع گوشت از اینهم خراب تر است. اخیراً برای ورود گوشت از فرانسه مردم را از طریق مطبوعات و سخنرانیها با خودکشی نوح دم در فرانسه آشنا کردند که گویا بر طبق اصول شرع اسلام اتحام میگیرد. یک روحانی نمای حائسون شاهزادگان امنیت تیرتا حضور بخیر بر آن مهر شرف گذاشتند تا گزافی "تبعیان" و از طرف سازد. در نتیجه مسافرت شاه به استرالیا در بهار گذشته استرالیا به کشور ما ارمغان آوردند که گویا از نظر طعم و خاصیت از گوشت معمولی بهتر است. (کیهان ۲۳ شهریور) برای محصولات دیگر کشاورزی و دامی وضع تهره همین منوال است. این "اندیشمندان" مزبور گویا آنچنان از واقعیت جامعه ندورند که حتی انحطاط کشاورزی کشور ما را که اظهر من الشمس است نمی بینند. با بهترین سیستم تولیدی و با بهترین آلیاژ به توضیح است که هدف اجتماعی "اندیشمندان" جز حرف رفت (بیخبرانه خبری که به پهلای پول و مقام میفرستند) نیست. زندگی اکثریت مردم همین ما، زندگی دهقانان و کارگران آنچنان رقت بار است و آنقدر در مارا آن سخن رفتند که نیاز به تکرار ندارد.

آیا لازم به توضیح است که هدف سیاسی "اندیشمندان" در اثر به "مشارکت وایعی موثر و مثبت" دهقانان در زندگی سیاسی کشور فقط روضی شاهانه است. دهقانان اگر در گذشته رای خود را به کسانی میدادند که مالک تعیین میکرد و نمایر این آزاد بای سیاسی و مشارکت واقعی در زندگی سیاسی کشور محروم بودند. امروز رای خود را به کسانی میدهند که سازمان امنیت تعیین میکند و بازم از آزادی سیاسی و مشارکت واقعی در زندگی سیاسی بی بهره اند.

در اساساً این ایده که امیرالینیم آمریکا و نانه به اصلاحات ارضی "فست زبند" تا سطح تولید کشاورزی را بالا ببرند. دهقانان را در زندگی سیاسی کشور شرکت دهند، فقط از این "اندیشمندان" میتوان بیرون آید. امیرالینیم آمریکا گویا آگاهانه دست بکاری میزند که نتایج آن در دست علیه مطامع آزمند او باشد و این "اصلاحات ارضی" شاید تا حدودی و تا مدتی گو. دهقانان را به گرفتن زمین امیدوار ساختد اما آنها بیرونی در عمل به ماهیت این قانون بی بردند و به شدت نیاز به خود افزودند. دهقانان بخاطر زمین و آب هیچگاه قطع نکرده است و هم اکنون نیز بطور پراکنده ادامه دارند. اختیار این مبارزه گاه گاه و اینجا و آنجا بکوش میرسد. این معذک برایش "اصلاحات ارضی" در روستای ایران تغییر در زمینه مالکیت اراضی و تقسیم بندی دهقانان به موجب پیوسته است. این نکته ای است که انگاران در حکم ندیدند و واقعیت است. اگرچه تهرات شاه و مقامات رسمی ایران گوش فراد میداد این نتیجه حاصل میاید که دهقانان ایران همه زمین گرفته اند و از توزیع مناسبات قرون وسطایی رسته اند. برای یوشانیدن این توزیع مناسبات رسمی دولتی اختیار و آماد مربوط به اصلاحات ارضی را آنچنان محدود و مقصد و گمراه کننده در دسترس همگان میکند که بررسی نتایج واقعی "اصلاحات ارضی" امکان نایز میگردد. معذک از بررسی همین اخبار و آمار نتایج بدست میاید که با االعی شاه و دولت نتایج خود را گاهی نیز این نظر سنگت انگیز ابراز میدود که گویا در روستای ایران بساط روابط تولیدی ماقبل سرمایه داری بکلی یا اقل در مجموع برجیده شده و کشاورزی در کشور منحل و خصلت

سرمایه داری بخود گرفته است. آوردگان این نظر زمانی وجو شیوه تولیدی طبقه ثروتمندی را در ایران نفی میکردند و از شیوه تولیدی "سختن" میان میاورند. اکنون گویا شیوه تولیدی آسانشی باید که چنین طرز معجزه آسائی به شیوه تولیدی سرمایه داری بدل گشته است. ادعای آسانشی تولید سرمایه داری در روستای ایران برجیه پایبانی استوار است معلوم نیست. معذک نیز خود هیچگونه توضیحی را ضروری نمی بینند.

اصولین ادعای "بظرفان راست و گمراه کننده" است. "اصلاحات ارضی" شاه بدون شک روابط تولید سرمایه داری را در روستای ایران بیش از پیش گسترش بخشیده است و لسی خصلت تولید در روستای ایران سرمایه داری نیست. بغرض محال اگر مالکیت ارضی هم بر افتاده باشد که البته چنین نیست. اگر همه دهقانان هم زمین گرفته باشند (که بازم چنین نیست) مادر روستای ایران در مجموع با تولید خرده کالای روبرو هستیم. برای آنکه این تولید خرده کالای به تولید سرمایه داری بدل گردد و سالتها و اشاید نه حاصل لازم است. آنها هم در صورتیکه تکامل روستای ایران در همین جهت مسیر گند "سختن" مناسبات سرمایه داری همچنان ادامه یابد و مانند "اصلاحات ارضی" در روزهایی از کشورها عقب مانده و مبارزه به نظام ارضی باز نگردد.

لنین ده حاصل پس از انقلاب بورژوازی در کشورهای صنعتی میبود: "در کلیه کشورهای سرمایه داری و حتی در بیشترین این کشورها هنوز بقایای نظامات قرون وسطایی بر جای مانده است. به بدین معنی که زمین اراغ بزرگ دهقانان خرده پای نقاط اطراف را از طریق نیمه بیکاری استثمار میکنند. (منتخبات جلد دوم قسمت دوم ص ۵۰)

در ایران بنا بر اطلاع مقامات رسمی دولتی آخرین مرحله "اصلاحات ارضی" سه سال پیش پایان پذیرفته است. این طرف سه سال ممکن است کشور که قوتها شیوه تولید ثروتمند و نیمه ثروتمند دولتی در روستای سرد ارد به شیوه تولید سرمایه داری جهش کند. سخنان لنین که در ریز میاید میتواند مدعیان شیوه تولید سرمایه داری در روستای ایران را به تکرر بیشتر وادارد. در کشاورزی "سیستم سرمایه داری عبارت است از بکار گرفتن کارگران (سالیانه و موسمی و روزانه و غیره) که زمین را با افزار مالکیت کشت میکنند" (لنین: تکامل سرمایه داری در روسیه) (تیکه از ما است).

اقتصاد دهقانان از اقتصاد مالکانه جدا شد: دهقانان ضیایت زمین خود را میخریدند و مالکیت خود را میاورند. تنها به سیستم سرمایه داری اقتصاد انتقال ضیایت، که چنانکه گفته شد - بر پایه های بیگنی مقصد استوار است. اما چنین کاری به سیستم کاملاً متفاوتی البته نمیتوانست بیکار صورت گیرد. نمیتوانست بدلیل مختلف: اول اینکه شرایطی که برای تولید سرمایه داری لازم است وجود نداشت. لازم بود طبقه ای از مردم که بکار مزدوری خود گرفته باشند. لازم بود افزون مالک جای افزار دهقانی را بگیرد. لازم بود تولید کشاور را مانند هر موسسه تجاری و صنعتی دیگر سازمان داد و بصورت تولید ارضی. تمام این شرایط فقط در ایجاد پیدا می و گوشتن بعضی از مالکان بلافاصله پس از اصلاحات ارضی که از خارج ماشین های خارجی، حتی کارگران خارجی میاورند نمیتوانست با شکست کامل مواجه نگردد. علت دیگر برای اینکه چرا که به طرح سرمایه داری موضوع غیر ممکن بود این بود که سیستم بهره کشی قرون وسطایی اقتصاد فقط از هم گسیخته بود ولی بطور نهائی از بین برته بود. (همانجا)

مبارزه... بقیه از صفحه ۱ امروزه نای امروزه گرایش عمده انقلاب است و تشبیهات ضد انقلاب در ریز در حکومت ناکامی است. خلق افغانستان در ارای سنت های انقلابی در روستا است. اولیة نیرومندترین امیرالینیم زمان پیشی امیرالینیم انگلستان قیام کرد. سرایان انگلیسی را از کشور زاند و استقلال خود را بدست آورد. طبقه کارگر افغانستان اگرچه از لحاظ طبقی، هنوز ضعیف است ولی طبقه ای است که هیچگاه از مبارزه طبقاتی بخاطر حقوق خویش باز نایستاد است. عناصر آگاه طبقه کارگر دیری است که مدافع از آرمانهای طبقه کارگر برخاسته اند. آنها در مبارزه خود مورد تعقیب قرار گرفتند. بزنده ان افتادند ولی با است اصرار بر برداشته اند و بر نخواهند داشت.

اکنون برای خلق افغانستان - سرای مبارزان آگاه طبقه کارگر و وضعی بر مابند شاورتر از گذشته پیش آمده است. دولت "جمهوری" محمد داود آزاد بای و مؤکراتیک را به یاران پیش برنده نگاه داشته است. تظاهرات مجاز نیست و اعتراض کارگری مانند ایران ممنوع است. سرایان انقلابی بیش از پیش تحت تعقیب قرار میگیرند و بزندان می افتند. البته زمین گنه باد است سوسیال امیرالینیم روی کار آید جزاین هم ارمغانی نمیتواند داشته باشد.

مهاجرت... بقیه از صفحه ۱ احتمالاً همه ایرانی بودند که بطور غیر قانونی به کویت میرفتند. (اطلاعات خروای شماره ۵۳). اطلاعات از قول خبرنگاری فرانسه از چند چهار نفر صحت میکند ولی تعداد واقعی سرزشتیان قایق معلوم نیست چه بسیار جد هائی که صوبه سواحل کویت میروند و چه قایقهاییک از سرزشت سرزشتیان آن اطلاعاتی هم بدست نیامده است. بگرام در تار فرورفته و طعمه حیوانات ریاضی گشته اند. زمختگان ایران مجبورند نیروی کار خویش را در امارات خلیج با کویت بفروش برسانند. ۱۴ شتافت کار در روز زندگی در اطاقهای هالی ۶ نفره، گرمای شدید و طاقت فرسا نمیتواند از سزارشیدن سیل زمختگان بدین مناطق جلوگیری کند. سطح دستمزدها بسیار ناآزاد است. گرایه منزل سرسام آرواست و قرار دادی با کارگران سه ماهه منعقد میگردد برای آنکه هر سه تا یکار آنها را اخراج نمود و در تیاره اشتغال بکنند تا از مزایای قانون کار آنها را بی نصیب گردانند. روزی نیست که در آبا و بوی هاب با در چین کارگر کویت شته یا زخمی نگردد و چه بسیار کارگر کویتی که به علت نبودن وسائل کافی بهداشتی، در بریدن آمبولانس بیمارستان در جلوی چشم بهیتره هم کارانشان پارک شد خود آید. سارین را ترسیم میکنند و بد کان بسیاری را در همین بانتظر خود که روزی از فریت با پس اندازی ناچیز بازگردند در انتظار میگردند. وضع کارگران ایران

چه در ایران وجه در خارج ایران وقت انگیز است از کلیه حقوق بورکاتیک محرومند و توسط مأمورین ساواک و پلیس و زاند ارم شاه در ایران سرکوب میشوند. تنها تشکیک طبقه کارگر و سایر زمختگان میتواند آنها را به نیروی عظیم بدل کند که بتوانند برای مطالبات اقتصادی و سیاسی خود مبارزه نمایند تا زمانی که زمختگان حکومت خود را بر سر کار نیاورند مهاجرت کارگر و زمختگان ایرانی به امارات و کشورهای خلیج فارس پایانی ندارد. احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران شرط اساسی پیروزی مبارزات طبقاتی زمختگان ایران است.

عنوان مکاتبات  
X DR GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی  
X DR GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549711  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

# احیاء حزب طبقه کارگر در گرو ایجاد هسته های سازمانی است

مهاجرت زحمتکشان ایران

تا اواخر دیکمبیر و اوایل ژانویه از رفرت به ظلم و ستم مخیر رها شده  
ترجیح میدهند. اطلاعات عوامی در ۲۰ خرداد ۱۳۵۳ از وجود  
باندی که مشخصاً بر طبق واقعیتها به کویت میبرد است بر میآید  
در این تجارت انبساطی از جنین توضیح میدهد: «اینها این باند  
در مدت ۲ ماه مشاوران ۵۰۰ نفر افراد بیکار را که برای پیدا کردن  
کار عازم کویت بوده اند، بوسیله موتورلنج های سرخ لسیوندت ریج  
از طریق بصره و عثمانیه به سوی کویت بردند». و در نهم فروردین  
تشریح آنها تنها توسط یکی از باند های تجارت انسان به کشورهای  
خلیج صورت گرفته و از این راه بسیاری از این ماند های تروهای  
عظیم انباشته اند. این اعتراف اطلاعات در ۱۰ سال پیش هنوز  
بقوت خود باقی است و با وجود یک اخبار بسیاری مبنی بر فرقی  
موتورلنج های روزنامه های ایران درج شده است و حتی بسیار  
از سرگردان باند ها کارگران و زحمتکشان در رستم خوری کارزار  
جزایر پتروک بیابان کرده و در مافران از آنها از کوشکی وطن در  
آنجا جلا رکنی شتر پند. ولی هنوز پس از ۱۰ سال، پس از  
اصطلاح انقلابی بیفایده پس از سهم کردن کارگران در سوز  
و سیس در سهام کارخانه تجارت پس از قرارداد شدن در آستانه  
تجدید بزرگی و پس از تحصیل درآمد های نجومی نفت ساز سیل  
کارگران و زحمتکشان ایران سوسی کشورهای ایالات متحده و فرانس  
روان ایست مخبر کوزین فرانسه از کویت گزارش داده که کجانبانان  
ساحلی کویت حصد چهار نفر را که در نزد یکی سواحل کویت شاور  
بودند کشف کردند. بریزند یکی ایجابید یک نایک نیز مگل شسته  
است. اما پایی که از داخل تاقین بیست آمده متعلق با رانهای  
است. و سر شنبان این تاق بقعه رصفه ۳

بحران اقتصادی چون خورهای بیگانه جامعه ایران بود  
میجورد. گرانی اید ایکنیک و کویت از برای عیونی زمینهای  
و بیخیتی از خرم سیل کویت بویخت انداخته بود در کویت  
ایست مزاری از در آمد نفت را. برای تطبیق  
قیمتهای فرازنده کالا های مصرفی اختصاص دهد. این اقدام  
عمره با تعلیمات گرفته. رژیم بخاطر انحراف عیونی از وضعیت  
های حقیقی اصلی و مسیبن واقع وضع نابامان اقتصاد ایرا  
است. طبقه کارگری از همه این شرایط رنج میرد. آموزکا  
در صاحبه خود با محله نام جاب بیویرت از ان کرد که قبل  
از درآمد فعلی نفت و درآمد سرانه در ایران بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰  
در ۱۰۰۰ در ۱۰۰۰ مطابق این اعتراف فرض صحت خرج روزانه هر  
نفر مملی در حدود ۱/۱ دلار است. (۸۸/۸۸۰/۲۷ ریال)  
چنین مبلغ ناچیزی هنوز واقعت بخت زندگی مردم را نشان میدهد  
زیرا در صا هم این برآمد بر پایه میلیونها شرت کبیارد و رها  
ملاکین بزرگ و بزرگان و پادشاهان در این همه دربار بیملی نیز منظر  
تجدید و کرد درآمد سرانه مردم ایران بیملی بر مراتب ناچیزتر  
از این مقدار است. پس از افزایش درآمد نفت نیز تغییر محسوس  
بر این رقم نتواند است. چون این بودی بخت تخصیص مقادیر از  
درآمد نفت به امور داخلی بقیه جیبی سرمایه ایران عرب باز  
میکرد.

دم خرویس

در سوسیالسم قیمت های اجناس یا ثابت میمانند و یا  
آنکه کاهش میمانند. علت آنست که اقتصاد کشور در سده ولت  
سوسیالیستی متحرک است و امن اقتصاد در طبقه نرفته تنظیم میگردد  
تولیدات صنعتی و کشاورزی و خرید و توزیع محصولا شده در  
چار خوب نرفته واحدی صورت میگیرند و فروش کالاها تنظیم  
تثبت قیمت ها در طبقه نرفته واحدی انجام میگیرد. گاهی  
مکن است استثناهایی در شعب مختلف اقتصاد میان تولید  
محصولات و شیوه زندگی های جامعه عدم تعادلی بوجود آید ولی  
در سوسیالیستی بکنک اقتصاد طبقه نرفته تعادل از انفور قرار  
دهد. سوسیالیسم اجرایی پول متناسب با احزاب کالای  
افزایش پول در حریان نیز متناسب با افزایش کالای صورت میگیرد  
از اینجهت هیچگاه فورم پیش نیایند. بخلاف از آنجا که تجارت  
سوسیالیستی در انحصار دولت است. تعریفیاتی که در بازارهای  
بین المللی در وی میدهد: «نوساناتی که در از زکیوهای سوز تاقین  
داری بوجود می آید. در قیمت اجناس تاثیر میگذارد». و  
در کشورهای ریزین سوسیالیستی بر اثر رفرمهای اقتصادی  
تمرکز تولید و تمرکز نقشه های اقتصادی بر هم خورد. توازن  
میان تولید و نیازند لهای جامعه مختل کردید و در تولید و  
توزیع هر چه بمرح اید بد آمد. و نتیجه آن افزایش قیمت ها است که  
مانند کشورهای سرفا به از وی قوس جیوه ای می بینانند  
افزایش قیمت ها از خصوصیات سوسیالیسم نیست. و نتیجه  
ای از شیوه تولید سرمایه داران است. در سوسیالیسم  
توسعه تولید در میان مملکتی از بودا نیست و در سوسیالیسم  
۱۳۵۳/۷/۸ خود افزایش قیمت علوا در سوزانستان با این کار  
نمایند. قیمت وضع در کشورهای سوسیالیستی دیگر نیز همین  
منوال است.

رژیم ایران در تیر ماه ۳ و حداقل دستمزد کارگران را ۱۴  
ریال در روز تعیین نمود. با توجه باینکه هیچوقت قانون کار در  
ایران رعایت نمیشود سطح حداقل دستمزد در بسیاری از رشته  
کار این مقدار است. اما در این زمان با توجه به تورم و افزایش  
سد عدد بهای کالا ها و مواد مصرفی در مناطق شهری ایران  
در خرداد سال جاری به رقم ۸۸/۸۸۰ رسید. این نشان  
دهنده آنست که قیمت به یاه قبل ۱/۱ درصد نیست به یاه مشابه سال گذشته  
۱۷/۶ درصد افزایش یافته است. مثلا تخمینا قیمت خیرا  
در فروردین ماه ۵۰۰ به نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۴/۷ درصد  
بویوده است. گوشت مارم ۲۷/۴ درصد بزرگترین تغییر عیونی  
را بویوده و بیشک با ۵/۵ درصد نسبت به ماه مشابه سال قبل  
از ارقام رشد یافته آمارات کارگری است.  
وضع رقت بار و اسفناک طبقه کارگر و زحمتکشان ایران به  
آن حد میرساند که تحمل است که بخاطر زمین حد اقل زندگی  
بخاطر کسب لقمه نان برای سد جوع از بران گرم خاکی و زمین  
شده و راهی امارات خلیج فارس میروند.  
امروز هزاران هزار کارگر و زحمتکشان ایرانی در کشورهای  
خلیج فارس کار میکنند و زندگی در این کشورها و اما  
سفر تاقی به کشورهای سواحل خلیج فارس خالی از خطر  
نیست ولی زحمتکشان ایران این خطر را با جان میخرند و زندگی

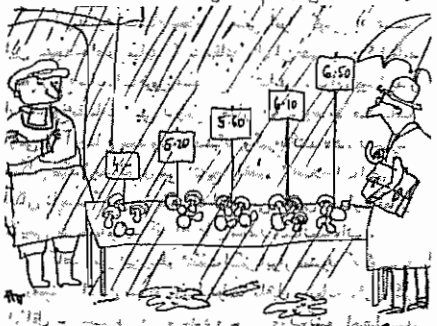
مبارزه ادامه دارد

پیش از یک سال از کودتای محمد داود در افغانستان  
میگذرد. در نتیجه این کودتاهاهی از تخت پادشاهی و حکومت  
در کشور اعلام شد ولی تنها تغییریه که در اوضاع کشور افغانستا  
روی داد این بود که به عنوان شوروی در افغانستان سید ان  
وسیعتری داده شد. امکانات شوروی برای تحریکات در کشورهای  
های محاور و بویژه پاکستان افزون کردید.  
سوسیالیسم امپریالیسم شوروی که الهام بخش کودتای افغان  
نستان بود بر اثر انقلاب مینامد. ستون نجم شوروی در افغان  
نستان نیز سرگرم فریبگری است تا کودتای خد خلقی محمد داود  
را «انقلاب» بنمایاند. اما این آجتیان انقلابی است که منقلب  
در این شرکت جیبی و نمیتوانیم به غیر که جیبی و نه در طبقه  
حاکمه ارتجاعی تغییر روی داد. و نه در نوسانات این طبقه  
نسبت به تولید های دهقان و کارگر خجولی صورت گرفت. کودتای  
نظامی افغانستان امپریالیسم شوروی را در برابر کارگران امپریا  
لیست نمایاند. همانگونه که کودتای نیلی سلطه امپریالیسم  
آمریکای در این کشور برقرار کرد. به پیشان روشن است که  
«انقلاب» افغانستان امرعانی بجای اید. اسارت ادامه  
عقب ماندگی و اید غارت تروهای کشور و این بار بطور عمده  
توسط اتحاد شوروی «سوسیالیستی» تمام کرد.  
شادی روزین نیست های ایرانی و افغانی از کودتای  
داود از این نسبت که شاهی به منزله تاریخ اذات و رزیم  
«جمهوری» بجای سلطنت نشست. بلکه از این است که او در  
در روز پنجشنبه است و شوروی از این بر در افغانستان صاحب  
اختیار است و روزین نیست های افغانی برای اجرای مقاصد  
ضد انقلابی سوز آردی بیشتر یافته اند.  
کودتای افغانستان در این حال یکی از حلقه های سیا  
توسعه طلبانه امپریالیسم شوروی و اید سیاست دسترپی  
به آسیای اقیانوس هند و اید سیاست «علمان امنیت جمعی  
آسیا» و «محاوره جمهوری» بود های چین است.  
اتحاد شوروی که نشان میدهد که «انقلاب» در انحصار  
امپریالیسم آمریکا و شاه ایران نیست او نیز میتواند با کودتاهای  
نظامی به چنین انقلابی دست بزند. بدین ریح «انقلاب  
از طریق کودتای نظامی بصورت «شوری» حد بد «انقلاب» در  
میاید که روزین نیست های ایرانی سالیست میگویند آسیا  
بخورد مردم دهند. بقعه رصفه ۳

تدارک جنگ در پشت پرده صلح

سوسال امپریالیسم شوروی در باره «افزایش احیان به صلح» و  
فریبنده جنگ را انداز می بیند. روزین نیست های ایرانی نیز در این  
به سخنان مارشال گرجگو و وزیر دفاع شوروی گوش فراد هید و آنگاه خودتان تفاوت کنید  
۱۳ مارس ۱۹۷۴  
شرایط وضع کوفی بین المللی از سوزهای طلب که هوشیاری خود را بعد اگر حفظ کنند. بلا انقطاع ظرفیت دفاعی  
دولت شوروی را بالا بزند. نیروهای مسلح را تقویت کنند. حزب برآست که این طبقه عده است  
در مجله «کومینت» شماره ۳ (۱۹۷۴):  
«در هر شرایطی ارتش ریزینی و نیروی دریایی شوروی میتوانند فوراً به تعرضات بر دهنه های دست بزنند. میتوانند با موفقیت به  
عدو تاقی تاکنیک و استراتژیک خود و هزینه باند دانه آنها دست بیاوند.» (تکیه از ما است)

در ۱۳ نوامبر ۱۹۷۳ در آلمان شرقی و در این «فرارگاه نظامی شوروی در جبهه» قرب آنجا که سیصد هزار سرباز شوروی لشکر اند  
باید «باروت ها را خشک نگه داشت» و «آبادگی برای مردم را تقویت کرد».  
بروزنفا در یازدهم اکتبر ۱۹۷۴ در سخنرانی خود در شهر کیسلیف چنین گفت:  
«در دوران این بحران های اجتناب ناپذیر اقتصاد های میان کشورهای گروه های سرمایه داری حاد تر میشود و سابقه  
تسلط جانی گسترش مییابد. اینها همه عوامل تازه ای در جهت زحامت روابط بین المللی و خطرهای جدی باقی ماند و البته برای  
صلح و امنیت خلق ها است».  
کمای این در فنانی ها با «کریس جهان به صلح» و «کاهش کش بین المللی» میخواند



دست امپریالیسم آمریکا از ولایت نام و کامبوج کوتاه بیاید!